

بررسی ابعاد و دامنه‌های مهاجرت کردهای عراق به ایران در دهه‌ی ۱۳۵۰ شمسی مدرس سعیدی^۱

چکیده

در سال ۱۳۵۳/م ۱۹۷۴، در نتیجه‌ی جنگ و درگیری‌هایی که در کردستان عراق جریان داشت، شمار زیادی از ساکنان این منطقه به عنوان آواره و پناه‌جو از طریق مرزهای غرب و شمال غربی وارد ایران شدند. در سال بعد نیز متعاقب شکست و فروپاشی جنبش کردها که پس از توافق ایران و عراق در الجزایر به وقوع پیوست، موج بزرگی از آوارگان به شکل دسته جمعی و در یک فاصله‌ی زمانی کوتاه وارد ایران شدند. بخشی از این آوارگان مدتی بعد و با تغییر اوضاع سیاسی در عراق به کشور خود بازگشتند؛ اما بخش قابل توجهی از آنها هم در ایران ماندگار شدند. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی ابعاد و دامنه‌های این رویداد تاریخی را مورد بررسی قرار داده است.

واژگان کلیدی: مهاجرت، پناهندگی، کردهای عراق، ایران، جنبش کردی، قرارداد الجزایر.

An examination of the refugee crisis of the Iraqi Kurds in Iran during the 1350s

Modares Saiedi²

Abstract

In 1974 AD/1353 AH, as a result of a raging conflict in Iraqi Kurdistan, a great number of the region's residents entered Iran from the west and the northwest as refugees and asylum-seekers. In the following year, in the wake of the Algiers Pact between Iran and Iraq, which led to the collapse of the Kurdish nationalist movement, another massive and unexpected wave of refugees poured into Iran in large groups. Some of these refugees were able to return to their homes in Iraq after a change in the political circumstances; yet a considerable number of the refugees settled in Iran. The current research project has applied a descriptive approach to probe different aspects of this historical event.

Key words: migration, Iraqi kurds, Iran, Kurdish movement, Algiers Pact.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه شهید بهشتی.

2. PHD Student of the History, Shahid Beheshti University. Email:
m.seidi2009@gmail.com

مقدمه

برای هر کشوری، وقایع و رخداد‌های کشورهای همجوار همواره از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا قرابت جغرافیایی و فرهنگی، میزان تاثیرگذاری و تاثیرپذیری متقابل آنها افزایش می‌دهد. کردستان عراق، سرزمینی است که که مرزهای طولانی با ایران دارد، به طوری که بیشتر خط مرزی طولانی ایران و عراق از میان مناطق کردنشین می‌گذرد. علاوه بر این قرابت جغرافیایی، نزدیکی تاریخی و فرهنگی نیز باعث می‌شود که دامنه‌ی تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی از مرزهای دو کشور فراتر رود. در دوره‌ی معاصر، چند موج مهاجرت و جابجایی جمعیتی از کردستان عراق به سوی ایران اتفاق افتاده است. این مهاجرت‌ها اغلب در نتیجه‌ی اوضاع سیاسی کشور عراق و متعاقب شکست یا سرکوب کردهای آن کشور صورت می‌گرفت. در این رابطه سال‌های ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ م / ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ ش نقطه‌ی عطف مهمی به شمار می‌رود. در این زمان متعاقب تحولاتی که در کردستان عراق به وقوع پیوست، جمعیت زیادی از کردهای عراق به شکل دسته‌جمعی رو به سوی ایران آوردند. واقعه‌ی مذکور هم از لحاظ ابعاد و گستردگی و هم از لحاظ طولانی بودن مدت اقامت پناهندگان در ایران از اهمیت زیادی برخوردار است و پیامدهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بسیاری هم به دنبال داشته است. بنابراین، نظر به اینکه تاکنون هیچ کار پژوهشی در این زمینه انجام نشده است، در وهله‌ی نخست، بررسی جریان مهاجرت حائز ارزش و اهمیت است. در نوشتار حاضر کوشش شده است که گزارشی از این واقعه‌ی تاریخی به همراه بررسی برخی از ابعاد و جوانب آن به دست داده شود. پیداست که پرداختن به جنبه‌های دیگر این رویداد و از جمله پیامدهای مهم فرهنگی و اجتماعی آن، مجال دیگری می‌طلبد. امید است که پژوهش حاضر با عطف توجه به ابعاد مسأله باب تحقیقات بیشتر در این زمینه را بگشاید.

روابط ایران و جنبش کردهای عراق ۱۹۷۴ - ۱۹۶۲ م / ۱۳۵۴ - ۱۳۴۰ ش

کردستان عراق شامل بخش عمده‌ای از ولایت موصل امپراطوری عثمانی است که در سال ۱۹۲۵ م / ۱۳۰۳ ش به دولت تازه تاسیس عراق ملحق شد. کردها از همان ابتدا در مقابل پیوستن به دولت عراق از خود مقاومت نشان داده و در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ م / ۱۲۹۰ - ۱۳۰۰ ش شورش‌هایی را به زعامت شیخ محمود برزنجی و شیخ احمد بارزانی بر علیه دولت مرکزی عراق به راه انداختند که با پشتیبانی دولت انگلیس از حکومت عراق راه به جایی نبرده و سرکوب شد.

در سال ۱۹۵۸م/ ۱۳۳۶ش، رژیم پادشاهی مورد حمایت انگلیس با کودتای عبدالکریم قاسم ساقط شد. این امر مورد استقبال کردها قرار گرفته و کردها در ابتدا از عبدالکریم قاسم حمایت کردند. اما به تدریج روابط بین قاسم و کردها به تیرگی گرایید تا جایی که در سال ۱۹۶۲م/ ۱۳۴۰ش قیامی مسلحانه به رهبری ملامصطفی بارزانی با هدف کسب خودمختاری در کردستان عراق آغاز شد که به «شورش ایلول» معروف است. قیام مذکور تا سال ۱۹۷۵م/ ۱۳۵۴ش تداوم پیدا کرد.

چنین پیداست که در آغاز شورش ایلول، ایران نظر مساعدی به آن نداشته است. سابقه‌ی شرکت بارزانی در وقایع سال ۱۹۴۵م/ ۱۳۲۴ش مه‌آباد و مخالفت شاه با گسترش ناسیونالیسم کردی، از دلایل اتخاذ این موضع از سوی ایران بود. در این مقطع، رژیم شاه گاهی حتی اقدام به توپ باران مناطق مرزی که احتمال حضور شورشیان کرد عراق در آن می رفت، می‌نموده است.^۳ اما روابط تیره‌ی عبدالکریم قاسم با ایران که با ساقط کردن رژیم پادشاهی عراق این کشور را به بلوک شرق نزدیک کرده بود، رفته رفته باعث تغییر موضع ایران نسبت به کردهای مخالف عراق و نزدیک شدن به آنها گردید.^۴ در اوایل سال ۱۹۶۳م / ۱۳۴۱ش، اولین تماس‌ها بین دو طرف برقرار شد.^۵ اما پیش از آنکه این روابط عمق چندانی پیدا کند، رژیم قاسم به وسیله‌ی کودتای بعثی‌ها سرنگون شد.

پس از روی کار آمدن بعثی‌ها به دلیل آنکه آنها همانند قاسم در نزدیکی به اردوگاه شرق شتاب به خرج نمی دادند، در دور اول حاکمیتشان، رژیم شاهنشاهی با آنها روابط کم تنش را تجربه کرد.^۶ اما پس از رانده شدن بعثی‌ها از قدرت به وسیله‌ی طرفداران جمال عبدالناصر، ایران، به دلیل هراسی که از اتحاد مصر و عراق و به چالش کشیدن منافع ایران در منطقه به وسیله‌ی آنها داشت، بار دیگر خود را به شورشیان کرد نزدیک ساخت. در این زمان، ژنرال پاکروان، رئیس ساواک، نماینده‌ی خود به نام ژنرال منصورپور را به نزد بارزانی فرستاد. اندکی

۳. ناز ناز محمد عابدولقادر، *سیاست‌ی نیران به رانبر بزوتنه‌وه‌ی رزگار یخواری نه‌ته‌وه‌ی کورد له کوردستانی*

عیراقد / ۱۹۶۱-۱۹۷۵ (هه‌ولیر: ده‌زگای ئاراس، ۲۰۰۷)، ص ۱۱۲.

۴. همان، ص ۱۱۴.

۵. همان، ص ۱۱۲.

۶. همان، ص ۱۱۹.

بعد در سال ۱۹۶۴م / ۱۳۴۲ش، خود نیز به قرارگاه بارزانی در «حاجی عمران» رفت و علاوه بر درخواست نزدیکی به کردها، فرمان شاه را هم مبنی بر لغو حکم اعدام بارزانی که به جرم شرکت در وقایع سال ۱۹۴۵م / ۱۳۲۴ش مه‌آباد صادر شده بود، به وی ابلاغ کرد.^۷ از این پس به موازات افزایش تنش بین ایران و عراق، کمک‌های شاه به کردهای مخالف عراق نیز افزایش می‌یافت. اما عاملی که رابطه‌ی ایران و قیام کردهای عراق را به طور کامل به هم گره زد، بحران مرزی بین ایران و عراق در سال ۱۹۶۹م / ۱۳۴۷ش است.

ایران و عراق اختلافات مرزی خود را از قاجارها و عثمانی به ارث برده بودند. بر طبق موافقتنامه‌ی بین دو امپراطوری، مرز آنها در ساحل شرقی شط العرب تعیین شده بود. در سال ۱۹۳۷ / ۱۳۱۶ش نیز ایران و عراق بر پایه‌ی همان پیمان، موافقتنامه جدیدی را امضا کردند.^۸ در ۱۹ آوریل ۱۹۶۹ / ۳۰ فروردین ۱۳۴۸، ایران پیمان سال ۱۹۳۷م / ۱۳۱۶ش را به طور یکجانبه و با ادعای سهم عادلانه از شط العرب لغو و اعلام کرد که «دولت شاهنشاهی ایران در شط العرب هیچ اصلی را جز اصل تالوگ یا خط میانه به رسمیت نمی‌شناسد.»^۹ پذیرش این امر برای عراق به آسانی ممکن نبود؛ زیرا شط العرب تنها مسیر دریایی میان خلیج فارس و قلمرو داخلی عراق است.^{۱۰} از آن پس روابط ایران و عراق، حالت بحرانی به خود گرفت. دولت عراق در واکنش به این عمل ایران، هزاران ایرانی ساکن عراق را اخراج و اموال آنها را ضبط کرد. در ژوئن ۱۹۶۹ / خرداد ۱۳۴۸ش، نیز با ادعای مالکیت بر خوزستان «جبهه آزادی بخش عربستان» را تشکیل داد و به برخی از مخالفان رژیم شاه در عراق پناه داد. در مرزها نیز چند درگیری که منجر به کشته شدن سربازان دو طرف شد، به وقوع پیوست.^{۱۱}

در شرایطی که روابط ایران و عراق به اوج تیرگی رسیده بود، هیچکدام از دو طرف از بازی با «کارت کردی» غافل نبودند. عراق در سال ۱۹۷۰م / ۱۳۴۹ش، ابتدا با امضای توافقنامه‌ای با

۷. همان، ص ۱۴۲.

۸. منوچهر پارسادوست، *ما و عراق از گذشته‌ی دور تا امروز* (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵)، ص ۱۳۳ -

۱۲۰.

۹. همان، ص ۱۴۲.

۱۰. گراهام فولر، *قبله‌ی عالم: ژئوپلیتیک ایران*، ترجمه عباس مخبر (تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۷)، ص ۴۹.

۱۱. پارسادوست، ص ۱۴۵.

کردها کوشید «کارت کردی» را از دستان شاه خارج کند.^{۱۲} بر اساس این توافقنامه، دولت عراق متعهد به شناخت خودمختاری مناطق کردنشین و رسمیت یافتن تکلم زبان کردی شده بود. توافق بین دولت عراق و کردها، برای ایران به این معنی بود که عراق می‌تواند فارغ از مناقشات داخلی و جنگ با کردها، توجه خود را به رقابت منطقه‌ای با ایران معطوف کند. به همین دلیل، بار دیگر با کردها تماس گرفته و کوشید که آنها را از توافق با عراق منصرف کند. اما بارزانی در پاسخ به این درخواست ایران گفت که از آنجایی که هدف کردها از ابتدا حصول خودمختاری بوده است، اینک وی نمی‌تواند از پذیرفتن آن خودداری کند.^{۱۳} اما با عدم موفقیت موافقتنامه‌ی مارس ۱۹۷۰ و تیره شدن دوباره‌ی مناسبات کردها و رژیم بعث، مجدداً زمینه برای تجدید روابط ایران و کردهای عراق فراهم شد. در سال ۱۹۷۴م/ ۱۳۵۳ش، و پس از آنکه جنگ بین کردها و ارتش عراق از سر گرفته شد، کمک‌های ایران به طور گسترده به سوی اردوی کردها سرازیر شد. در شش ماه نخست سال ۱۹۷۴م/ ۱۳۵۳ - ۱۳۵۲ش، ایران ۲۰ میلیون تومان به شورشیان کرد کمک مالی کرد و این مبلغ در شش ماهه دوم سال تا دو برابر افزایش یافت.^{۱۴} همزمان هم ارتش ایران در مناطق مرزی به طور عملی به نفع شورشیان کرد وارد عمل شد.^{۱۵} رفته رفته کمک ایران از حالت محرمانه خارج شده و شکل علنی به خود گرفت. تا جایی سلاح‌های سنگین ضد هوایی و توپ‌های دورزن ایران در کردستان عراق استقرار یافت و دیگر امکان پنهان کردن آنها از دید روزنامه‌نگاران و پرستاران و پزشکان و سایر ناظران غربی که به کردستان سفر می‌کردند، وجود نداشت و تنها سعی می‌شد با گل، آرم‌های مخصوص ارتش ایران را بر روی اتومبیل‌ها و ادوات نظامی بپوشانند.^{۱۶} شاه نیز در مصاحبه با رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران خارجی کمک ایران به کردهای عراق را تایید می‌کرد و دلیل آن را آریایی نژاد بودن کردها می‌دانست.^{۱۷}

۱۲. نهوشیروان مستهفا ئه‌مین، *له که‌ناره‌کانی دانوبه‌وه بو خری ناوره‌نگ* (برلین: postfach، بی‌تا)، ص ۱۹.

۱۳. کریس کوچرا، *جنبش ملی کرد، ترجمه ابراهیم یونسی* (تهران: نگاه، ۱۳۷۳)، ص ۳۵۲.

۱۴. عه‌بدولقادر، ص ۲۰۴.

۱۵. همانجا.

۱۶. همان، ص ۲۰۷ - ۲۰۶.

۱۷. همان، ص ۲۱۰.

جنگ سال ۱۹۷۴م / ۱۳۵۳ش و ورود موج نخست پناهجویان به ایران

با آغاز مجدد درگیری‌ها در سال ۱۹۷۴م/۱۳۵۳ش عده زیادی از مردم کردستان عراق به ایران پناهنده شدند. در این مقطع دو عامل باعث شد که موجی بی‌سابقه از پناهندگان به مرزهای ایران روی آورند:

الف) شدت یافتن جنگ: دولت عراق پس از شکست توافقنامه‌ی مارس ۱۹۷۰ با کردها، در پی آن بود که آخرین شانس خود را برای غلبه بر پیشمرگ‌های کرد، بدون دادن امتیاز به ایران امتحان کند. به همین دلیل، تعرض بزرگی را آغاز کرد. در سال آخر جنگ یعنی سال ۱۹۷۴م/۱۳۵۳ش شدت درگیری‌ها به اوج خود رسید و آمار تلفات طرفین بالا رفت. یک منبع مربوط به سپاه عراق تعداد کشته شدگان ارتش عراق را از ماه مارس ۱۹۷۴ تا مارس سال بعد، ۱۶۴۰ کشته و ۷۹۰۳ زخمی برآورد می‌کند.^{۱۸} تلفات کردها با احتساب غیر نظامیانی که قربانی حملات بی‌محابای هوایپماهای عراقی شدند، احتمالاً بسیار بیشتر از این تعداد بوده است.^{۱۹} همچنین در سال آخر جنگ، رزمندگان کرد نیز کم کم از شیوه‌ی سنتی خود در جنگ پارتیزانی که شامل حرکت در دسته‌جات کوچک و شیوه‌ی جنگ و گریز بود، فاصله گرفته و به جنگ منظم و جبهه‌ای روی آورده بودند. افزایش کمک‌های ایران در روی آوردن کردها به این شیوه جنگیدن مؤثر بود. در جنگ جبهه‌ای که مستلزم اسباب و ادوات سنگین جنگی و نیروی انسانی زیاد بود، پیشمرگ‌ها مناطق وسیعی را به عنوان مناطق آزادشده زیر کنترل خود نگه می‌داشتند. در آغاز شورش ایلول در سال ۱۹۶۱م/۱۳۴۰ش، شمار افراد مسلح جنبش کرد نزدیک به یک هزار نفر تخمین زده می‌شود. این تعداد در سال‌های پایانی جنگ به بیش از ۵۰ هزار نفر بالغ گردید.^{۲۰} در ضمن، در بین سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۵م/۱۳۴۳ تا ۱۳۵۴ش، بیش از ۳۰ هزار کیلومتر مربع به وسعت مناطق آزاد شده افزوده شده بود.^{۲۱}

۱۸. کومه‌لی نوسهران، گه‌لیکی په ژمورده و نیشتمانیکی په‌رت، وه‌رگیران م گومه‌یی و نه‌ندازبار حویزی (سوید:

بی‌نا، ۲۰۰۲). ص ۲۹۷.

۱۹. همانجا.

۲۰. همان، ص ۲۷۴.

۲۱. کوچرا، ص ۳۱۵.

روی آوردن کردها به جنگ جبهه‌ای، از طرفی به میزان وابستگی آنها به کمک‌های ایران افزود، به نحوی که امکان اداره‌ی جنگ در صورت قطع این کمک‌ها وجود نداشت؛ از طرف دیگر، اثرات زیانبار این شیوه از جنگ، مردم غیرنظامی بیشتری را تحت تاثیر قرار می‌داد و از این طریق در به راه افتادن سیل پناهندگانی که در جستجوی مناطق امن تر از مرز ایران می‌گذشتند، سهمی بسزا داشت.

ب) تجمع مردم در مناطق آزادشده: تجمع مردم در مناطق آزاد شده‌ی تحت کنترل پیشمرگ‌ها نیز از عواملی است که زمینه‌ی افزایش تعداد پناهندگان به ایران را فراهم ساخت. دره‌ی «چومان»، منطقه‌ی «حاجی عمران» و دیگر مناطق تحت کنترل پیشمرگ‌ها در این زمان، مأمن عده‌ی زیادی از مردم بود که از شهرها و روستاهای دیگر کردستان عراق به این مناطق پناه آورده بودند. بسیاری از آنها مردم عادی بودند که به دلیل فشار رژیم عراق خود را به مناطق خارج از کنترل دولت رسانده بودند. در طول مدتی هم که جنگ با پیشمرگ‌ها در جریان بود در مناطق جنوبی‌تر کردستان رژیم همچنان به سیاست تعریب ادامه می‌داد. در مناطقی مانند دشت کرکوک و سنجار و ژمار نیز عده‌ی زیادی به دلیل فشارهای رژیم و سیاست تعریب خود را به مناطق تحت کنترل پیشمرگ‌ها رساندند.^{۲۲} ایستگاه رادیویی شورشگران کرد موسوم به «صدای کردستان» نیز با پخش برنامه‌هایی در مورد جنایات رژیم در مناطق تحت کنترل دولت، در بزرگ‌نمایی خطر و فرار غیرنظامیان شهرها و روستاهای کردستان عراق به مناطق آزادشده نقش زیادی ایفا کرد.^{۲۳} علاوه بر این، در مناطق آزاد شده، عده‌ی زیادی استاد، تکنسین و نظامیانی که حاضر به خدمت در صفوف ارتش عراق نشده بودند، حضور داشتند. حزب دمکرات کردستان عراق نیز قبل از آغاز مرحله‌ی اخیر جنگ، کادرهای تمام مناطق و سازمان جوانان و دانشجویان و زنان خود را فرا خوانده و آنها را به مناطق آزاد شده کشانده بود.^{۲۴} تجمع مردم در منطقه‌ی «دره‌ی چومان» و دیگر مناطق آزادشده روز به روز افزایش می‌یافت. گروهی از سازمان پزشکان بدون مرز متشکل از «برنارد کوشنر و جک پیرس و ماکس ریکامی» که در آن زمان به منطقه سفر کردند در گزارشی اوضاع را بدین صورت توصیف کرده‌اند: «این جمعیت از کجا آمده

۲۲. گه‌لیکی په ژمورده و نیشتمانیکی په‌رت، ص ۲۹۴.

۲۳. همان، ص ۳۰۹.

۲۴. همان، ص ۳۰۸.

اند؟ از مناطق دوردست شمال؟ یا از قلادزی؟ و یا از منطقه‌ی بادینان که مستمراً در معرض بمباران است؟ بسیاری از این پناهندگان در عبور از مرز ایران شک دارند و بر سر جاده‌ها و کنار روستاها اقامت گزیده‌اند و تبدیل به هدفی ساده برای هواپیماهای عراقی گشته‌اند. خانه‌های گلی اینجا و آنجا سر بر می‌آورند و تبدیل به آبادی‌های خلق الساعه‌ای موقتی می‌شوند... بیماری‌های مسری مانند سرخک و سل بیداد می‌کند و هر روز جان عده‌ای را می‌گیرد. بسیاری از کسانی که زخمی می‌شوند احتیاج به کمک فوری دارند، اما گاهی بسیار طول می‌کشد تا با قاطر یا جیب یا آمبولانس به بیمارستان‌های ارومیه و پیرانشهر انتقال داده شوند.^{۲۵}

با شدت یافتن درگیری‌ها بیمارستان‌های نظامی ارتش ایران و سایر بیمارستان‌های استان‌های آذربایجان غربی و کردستان و کرمانشاه نیز اقدام به پذیرش پیشمرگ‌ها و زخمی‌های کردستان عراق کردند و بدین منظور ظرفیت تخت‌های خود را افزایش می‌دادند. بیمارستان‌های شهرهای پاوه و مریوان تعداد تخت‌های خود را از ۳۵ تخت به ۱۰۰ و ۶۰ تخت افزایش دادند. در این بیمارستان‌ها علاوه بر پزشکان ایرانی، پزشکان کرد عراقی هم کار مداوای زخمی‌ها را به عهده داشتند.^{۲۶} به دنبال شدت یافتن جنگ و بمباران روستاهای کردستان به وسیله‌ی ارتش عراق، رهبران کرد به طور رسمی از ایران خواستند که تعدادی از آوارگان و پناهندگان کرد عراقی را در خاک خود بپذیرد.^{۲۷} از آن پس با همکاری شیر و خورشید سرخ ایران کار انتقال پناهندگان به ایران آغاز شد.^{۲۸} و این سر آغاز مسأله‌ی پناهندگی گسترده‌ی کردهای عراق به ایران گردید. در این زمان بسیاری از کادرها و رهبران پیشمرگ‌ها شروع به فرستادن خانواده‌ی خود به ایران کردند.^{۲۹} رفته رفته با شدت یافتن درگیری‌ها، مهاجرت به ایران حالت دسته‌جمعی به خود گرفت و آوارگان در صفوفی طولانی شامل زن و بچه و پیر و جوان با هر وسیله ممکن از جمله اتومبیل‌های جیب و لندروور و کامیون و یا با پای پیاده خود را به مرزهای ایران می-

۲۵. همان، ص ۲۹۶.

۲۶. عبدولقادر، ص ۲۰۸.

۲۷. همان، ص ۲۰۶.

۲۸. گه لیکی به‌زمرده و نیشتمانیکی به‌رت، ص ۲۹۴؛ عبدولقادر، ص ۲۰۸.

۲۹. سه‌عید ناکام، بیره‌ومرپه‌کانی سه‌عید ناکام (هه‌ولیر: ئاراس، ۲۰۰۳)، ص ۱۶۵.

رساندند.^{۳۰} گروهی وابسته به سازمان دیده‌بان حقوق بشر که به درخواست برخی از شخصیت‌های کرد در فاصله‌ی ۳۱ اکتبر تا ۱۱ نوامبر ۱۹۷۴ / ۹ تا ۲۰ آبان ۱۳۵۳، از نواحی مرزی ایران و عراق در منطقه‌ی حاجی عمران، دیدن کرده‌اند، وضعیت منطقه را چنین توصیف کرده‌اند:

«در دره‌ای که مرز ایران و عراق را تشکیل می‌دهد، محلی برای پناهندگان در نظر گرفته شده است که نزدیک به ۲۵ هزار نفر در آن به سر می‌برند و به دلیل بی‌امکاناتی نمی‌توان نام اردوگاه بر آن نهاد. در دو طرف جاده با وسایلی مانند پتو و کهنه پارچه، خیمه‌هایی برپا شده است. اگر چه سرما و باد و باران بیداد می‌کند اما باید بسیار خوشحال بود که برف نمی‌بارد؛ زیرا در این موقع از سال بارش برف در این مناطق پدیده‌ی نادری نیست. عده‌ای از این آوارگان بیچاره از منطقه‌ی شمالی بادینان که کیلومترها با اینجا فاصله دارد خود را به اینجا رسانده‌اند و در این وضعیت گاهی مجبورند که تا یک هفته منتظر یکی از کامیون‌های شیر و خورشید ایرانی باشند تا آنها را به اردوگاهی در داخل خاک ایران انتقال دهد. قبرستان جدیدی که در این محل احداث شده است روز به روز گسترده‌تر می‌شود، زیرا روزانه ۱۰ الی ۳۰ نفر که بیشتر سالخورده و کودک هستند در آنجا دفن می‌شوند.»^{۳۱}

بسیاری از پناهندگان پس از رساندن خود به مرز باید منتظر صدور مجوز ورود به ایران می‌ماندند که گاهی باعث می‌شد که یک هفته در مناطق مرزی سرگردان بمانند.^{۳۲} دولت ایران ابتدا پناهنده‌گان را در اردوگاه‌های موقت و در خیمه‌ها ساکن کرد؛ ولی از آنجایی که در زمستان سرد کردستان ایران، زندگی در خیمه‌ها امکان‌پذیر نبود، پس از مدتی در داخل اردوگاه‌ها سرپناه‌هایی برای پناهندگان ساخته شد.^{۳۳} اردوگاه‌های مذکور بیشتر در اطراف ارومیه و اشنویه قرار داشت. اما بعدها اردوگاه‌های دیگری در سنندج و اطراف کرمانشاه و حتی اهواز برپا شد.^{۳۴}

۳۰. ناکام، ص ۱۶۵.

۳۱. گه‌لیکی په‌ژمورده و نیشتمانیکی په‌رت، ص ۲۹۵.

۳۲. ناکام، ص ۱۶۶.

۳۳. عه‌بدولقادر، ص ۲۰۸.

۳۴. مه‌سهوود بارزانی، بارزانی و بزوتنه‌وه‌ی زرگارخواری کورد، به‌رگی سییه‌م- به‌شی دووهم (بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا)،

چنین به نظر می‌رسد که دولت ایران در ابتدای مواجهه با مسأله‌ی پناهندگان کردستان عراق، سیاست خاصی در مورد اسکان آنها در پیش نگرفته بود. اگرچه بسیاری از کسانی که در سال ۱۹۷۴م/ ۱۳۵۳ش، از مرز گذشتند، در ابتدای امر در اردوگاه «نلیوان» در اشنویه و دیگر اردوگاه‌های منطقه اسکان یافتند؛ اما کسانی نیز بودند که خارج از اردوگاه و در منزل مردم کُرد منطقه، یا در منزل اقوام و بستگان خود ساکن شدند.^{۳۵} برخی نیز که ابتدا به اردوگاه رفته بودند، پس از مشاهده‌ی وضعیت سخت گذران در زیر چادرهای اردوگاه، اقدام به اجاره‌ی منزل یا اتاقی در اشنویه و یا نقده و دیگر شهرها می‌کردند. به نظر می‌رسد در این مرحله دولت ایران اجباری برای تعیین محل پناهندگان بکار نمی‌برده است.

در مورد تعداد کسانی که در طول جنگ ۱۹۷۴م/ ۱۳۵۳ش به ایران پناهنده شدند، هیچ‌گونه آمار دقیقی وجود ندارد. در نبود منابع و مدارک رسمی و موثق، برخی تعداد بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار نفر را ذکر کرده‌اند.^{۳۶} بسیاری هم بین آوارگان این سال و کسانی که سال بعد به آنها پیوستند، تفاوتی قائل نشده و تعداد تقریبی همه آنها را با هم ذکر کرده‌اند. اما قدر مسلم این است که در سال ۱۹۷۴م/ ۱۳۵۳ش و به دنبال درگیری‌های شدیدی که در کردستان عراق روی داد، ده‌ها هزار نفر به ایران پناهنده شدند. اکثر این افراد با پیوستن موج بعدی پناهندگان در سال ۱۹۷۵م/ ۱۳۵۴ش سرنوشتی مشابه آنها یافتند. در بخش بعدی ضمن بحث در مورد پناهندگان سال ۱۹۷۵م، به این موضوع خواهیم پرداخت.

قرارداد الجزایر و فروپاشی جنبش کردهای عراق ۱۹۷۵م / ۱۳۵۴ش

در طول جنگ سال ۱۹۷۴م/ ۱۳۵۳ش، جنبش کردهای عراق بیش از پیش به کمک‌های مالی و تسلیحاتی ایران وابسته شد. در شرایطی که کمک‌های مذکور به صورت بسیار حساب شده و به نحوی ارائه می‌گردید که تنها پاسخگوی نیازهای فوری باشد و امکان ذخیره‌سازی لوازم اساسی

۳۵. ناکام، ص ۱۶۷.

۳۶. در این باره نک: گه‌لیکی په ژمورده و نیشتمانیکی به‌رت، ص ۲۹۶؛ عه‌بدولقادر، ص ۲۰۶؛ دیوید مک داوول،

تاریخ معاصر کرد، ترجمه ابراهیم یونسی (تهران: پانیذ، ۱۳۸۳)، ص ۵۲۸.

و اسلحه را نمی‌داد.^{۳۷} روی آوردن کردها به جنگ جبهه‌ای که خود از تبعات افزایش کمک‌های ایران و شدت یافتن جنگ بود نیز باعث شد که سرنوشت «شورش ایلول» به طور کامل به کمک‌های ایران وابسته شود؛ در شرایطی که اصل این کمک‌ها هم برای انجام معامله و با هدف به زانو درآوردن عراق و گرفتن امتیاز در شط العرب انجام می‌گرفت. از آنسو نیز دولت عراق که به‌رغم بکار گرفتن تمام توان خود در سرکوب کردها ناکام مانده بود، تمایل می‌یافت که به قیمت دادن امتیاز به ایران در شط العرب، بر شورش کردها غلبه پیدا کند. پیشتر صدام حسین در مقام معاون رئیس جمهوری عراق به کردها هشدار داده بود که: «سرنوشت شما به شط العرب بستگی دارد. ایران خواهان شط العرب است و شط العرب هم از کردستان عزیزتر نیست!»^{۳۸}

در ماه دسامبر ۱۹۷۴م/ آذر ۱۳۵۳ش، عراق به ایران پیشنهاد کرد که چنانچه ایران کمک‌های خود به کردها را قطع کند، آماده است که از حقوق خود در شط العرب چشم‌پوشی کند.^{۳۹} چند ماه بعد در حاشیه‌ی کنفرانس سران اوپک که در الجزایر برگزار می‌شد، شاه ایران و صدام حسین معاون رئیس جمهور عراق، با هم دیدار کردند و در ۶ مارس ۱۹۷۵ / ۲۰ اسفند ۱۳۵۳، قراردادی را برای حل اختلافات بین خود به امضا رساندند؛ که بر طبق آن عراق خط مرزی وسط رود (تالوگ) را در شط العرب پذیرفت و ایران هم تعهد کرد که از حمایت رزمندگان کرد مخالف دولت عراق، دست بکشد.^{۴۰} چند ساعت پس از این توافق نیروهای ایرانی به پایگاه‌های خود برگشتند و تدارکات نیروهای کرد به حالت تعلیق درآمد.^{۴۱} پس از بازگشت شاه از الجزایر، اسدالله اعلم در گفتگوی خصوصی خود با شاه از وی پرسید: «مسأله خودمختاری کردها چه می‌شود؟» شاه در پاسخ گفت «هیچ! اینها که اینقدر شکست می‌خورند و خودشان هم می‌دانند اگر ما نبودیم در مقابل ارتش عراق نمی‌توانستند بایستند، می‌توانند چه حرفی بزنند؟»^{۴۲}

۳۷. مارتین وان بروستن، جامعه‌شناسی مردم کرد: آغا شیخ دولت، ترجمه ابراهیم یونسی (تهران: نشر پانید، ۱۳۸۳)، ص ۴۸.

۳۸. مسته‌فا ته‌مین، ص ۲۰.

۳۹. مک داوول، ص ۵۲۸.

۴۰. پارسادوست، ص ۱۶۵؛ برای اطلاع از مفاد کامل قرار داد الجزایر نک: پارسادوست، ص ۱۶۱ و ۱۶۲.

۴۱. مک داوول، ص ۵۲۸.

۴۲. اسدالله اعلم، یادداشت‌های علم (تهران: شرکت کتابسرا، ۱۳۸۰)، ص ۴۷۴.

خبر توافق بین ایران و عراق نگرانی زیادی را بین کردها به وجود آورد. بارزانی به سرعت برای گفتگو با شاه و مقامات ایرانی به تهران رفت. عبدالرحمن شرفکندی معروف به «هزار» شاعر و نویسنده‌ی کرد که همراه بارزانی در این سفر حاضر بود می‌نویسد که ژنرال نصیری، رئیس ساواک به هیأت کردی اعلام کرده که: «دو راه بیشتر ندارید یا تسلیم عراق شوید و یا اگر خواستید می‌توانید به ایران پناهنده شوید. اما اگر به جنگ ادامه دهید علاوه بر نیروهای عراقی با ما هم طرف هستید.»^{۴۳} تحولات بعدی به سرعت روی داد: در ۱۳ مارس / ۲۲ اسفند، بارزانی به کردستان برگشت و رهبران حزب دموکرات کردستان را برای مشورت در مورد وضع جدید، دعوت به اجلاس کرد و دفتر سیاسی حزب تصمیم گرفت که با ارسال پیامی برای دولت عراق خواستار مذاکره شود.^{۴۴} در ۱۷ مارس / ۲۶ اسفند، عراق این دعوت را رد کرده و خواستار تسلیم بی‌قید و شرط کردها شد.^{۴۵} در ۲۰ مارس / ۲۹ اسفند هم رهبران کرد به این نتیجه رسیدند که امکان مقاومت در وضعیت جدید، که علاوه بر عراق، رژیم شاه هم اعلام دشمنی با آنها کرده است، وجود ندارد و به فرماندهان پیشمرگ دستور داده شد که به جنگ پایان داده و با شکستن سلاح‌ها و نابودی مهمات خود، به ایران مهاجرت کنند.^{۴۶}

موج دوم مهاجرت به ایران پس از قرارداد الجزایر ۱۹۷۵م / ۱۳۵۴ش

پس از صدور فرمان «عدم مقاومت» از سوی رهبری جنبش کرد وضعیت ناامیدی و پریشانی خاصی در کردستان عراق، به‌خصوص در مناطق آزاد شده و در میان پیشمرگ‌ها، به وجود آمد. خبرگزاری‌های مختلف در آن زمان اخباری را که حاکی از مستولی شدن فضای یاس و ناامیدی در کردستان عراق بود، مخابره کردند. روزنامه‌ی ملیت ترکیه نوشت که ۶۵۰ نفر از پیشمرگ‌های کرد ترجیح داده‌اند که به جای تسلیم و تحویل سلاح‌های خود، دست به خودکشی بزنند.^{۴۷} عبدالرحمن شرفکندی در خاطرات خود از این فضای ناامیدی یاد می‌کند و از گریه و ناامیدی

۴۳. ماموستا هزار، چیشتی مجبور (بی‌جا: ناو هندی بلاو کرده‌وه‌ی میهره‌گان، ۲۰۰۷)، ص ۴۹۶.

۴۴. مسته فائو مین، ص ۳۰.

۴۵. همانجا.

۴۶. همان، ص ۳۱.

۴۷. کیهان (۱۰ فروردین ۱۳۵۴)، ص ۲.

پیشمرگ‌هایی که سران خود را مقصر می‌دانستند و به دنبال انتقام جویی از آنها بودند، سخن می‌راند.^{۴۸} برخی از فرماندهان پیشمرگ‌ها هم زمانی که دستور بارزانی را مبنی بر دست کشیدن از مقاومت به افراد زیردست خود ابلاغ می‌کردند، به وسیله‌ی آنها تیرباران شدند. از جمله‌ی این افراد «عیسی سوار» فرمانده جبهه‌ی «بادینان» بود.^{۴۹} صدور فرمان تسلیم بعد از ۱۴ سال مبارزه‌ی مسلحانه از سوی جنبشی که ده‌ها هزار نفر نیروی مسلح در اختیار داشت،^{۵۰} موجی از ناامیدی و یأس را در میان هواداران و افراد وابسته به جنبش ایجاد کرده بود. این تحولات فشار روانی زیادی را در میان پیشمرگ‌ها و افراد غیرنظامی مناطق آزاد شده‌ی کردستان عراق ایجاد کرد. علاوه بر ترس از انتقام‌جویی دولت عراق، این قبیل دلایل روانی را نیز باید در ایجاد موج بزرگ پناهندگان به سوی ایران دخیل دانست.^{۵۱}

در ۲۷ اسفند / ۱۸ مارس، ایران اعلام کرد که کردهای عراق در صورتی که بخواهند به ایران بیایند تا ۱۱ فروردین فرصت خواهند داشت و از روز ۱۲ فروردین مرز ایران و عراق بسته خواهد شد.^{۵۲} عراق هم اعلام کرده که کردها تا روز ۱۳ فروردین برای تسلیم شدن فرصت دارند و پس از آن ارتش در کردستان پیشروی خواهد کرد.^{۵۳} بنابراین، کردها تا ۱۲ فروردین مهلت داشتند که یا به ایران پناهنده شوند و یا با معرفی خود به نزدیکترین مرکز نظامی عراق، خود را تسلیم کنند. بسیاری با عدم اطمینان به وعده‌های عراق و یا ترجیح دادن آوارگی به تسلیم به دشمن، راه ایران را در پیش گرفتند^{۵۴} و عده‌ای نیز خود را به عراقی‌ها تسلیم کردند. دولت عراق از تسلیم شدن هزاران تن در طی چند روز اول خبر می‌داد و اعلام کرد که هریک از پیشمرگ‌ها بابت تحویل سلاح‌های خود ۲۸۰ دلار پاداش دریافت کرده‌اند.^{۵۵} بسیاری از پیشمرگ‌هایی که می‌خواستند به ایران پناهنده شوند، قبل از رسیدن به ایران سلاح‌های خود را در برکه‌ها و

۴۸. هه ژار، ص ۴۹۷ - ۴۹۶.

۴۹. گه‌لیکی په ژموروده و نیشتمانیکی په‌رت، ص ۳۰۴: کیهان (۱۰ فروردین ۱۳۵۴)، ص ۲.

۵۰. گه‌لیکی په ژموروده و نیشتمانیکی په‌رت، ص ۲۸۳.

۵۱. همانجا.

۵۲. کیهان (۲۸ اسفند ۱۳۵۳)، ص ۳۱.

۵۳. کیهان (۱۸ اسفند ۱۳۵۳)، ص ۴.

۵۴. کیهان (۵ فروردین ۱۳۵۴)، ص ۴.

۵۵. همانجا.

رودخانه‌ها انداخته و از بین می‌بردند.^{۵۶} برخی نیز پس از رسیدن به مرز، اسلحه‌ی خود را به اولین پاسگاه ارتش ایران تسلیم کرده و خود با کامیون روانه‌ی اردوگاه‌های آوارگان می‌شدند.^{۵۷}

در ۵ فروردین، بارزانی نیز قرارگاه خود در حاجی عمران را ترک کرده و به ایران پناهنده شد.^{۵۸} بسیاری دیگر از مسئولان و سران پیشمرگ‌ها تا ۷ فروردین به وی ملحق شدند.^{۵۹} سران جنبش به همراه خانواده‌های خود اغلب در شهرهای مهاباد و نقده و اشنویه ساکن شدند.^{۶۰} بارزانی هم پس از ورود به ایران می‌خواست به نقده، جایی که خانواده‌اش هم در آنجا بودند برود؛ اما دولت ایران از وی خواست که به تهران برود.^{۶۱} مسعود بارزانی معتقد است که تصمیم دولت ایران در انتقال بارزانی به تهران به درخواست دولت عراق بوده است. زیرا حضور بارزانی در نقده و در نزدیک مرز عراق، این دولت را نگران می‌کرده است.^{۶۲} اعضای بخش اداری حزب دمکرات کردستان عراق هم به همراه سایر مردم، عراق را ترک کرده و به ایران پناهنده شدند. رادیوی موسوم به «صدای کردستان» نیز اعلام کرد که به دلایل فنی برنامه‌های خود را قطع می‌کند.^{۶۳} دره‌ی چومان که تا چندی پیش مقر فرماندهی کردها در آن قرار داشت، به محلی متروک تبدیل گشت و مغازه‌ها بسته یا ویران شدند.^{۶۴}

به دلیل نزدیکی و هم‌مرز بودن مناط شمالی کردستان عراق با ترکیه، برخی از پناهجویان، به ویژه در منطقه‌ی بادینان، به سمت مرزهای این کشور حرکت کردند؛ اما ژاندارم‌های ترک از ورود آنها به داخل خاک ترکیه جلوگیری به عمل می‌آوردند. این دسته از پناهجویان ناچار می‌شدند با تحمل رنجی مضاعف در هوای سرد کوهستان به سمت مرزهای ایران بازگردند.^{۶۵}

۵۶. هه ژار، ص ۴۹۷ - ۴۹۶؛ گه‌لیکی په ژمورده و نیشتمانیکی په‌رت، ص ۳۰۳.

۵۷. کیهان (۵ فروردین ۱۳۵۴)، ص ۴.

۵۸. بارزانی، ص ۲۳۷.

۵۹. گه‌لیکی په ژمورده و نیشتمانیکی په‌رت، ص ۳۰۳.

۶۰. ناکام، ص ۱۲۱.

۶۱. بارزانی، ص ۲۳۹.

۶۲. همانجا.

۶۳. کیهان (۴ فروردین ۱۳۵۴)، ص ۴.

۶۴. همانجا.

۶۵. کیهان (۱۱ فروردین ۱۳۵۴)، ص ۴.

به موازات ورود پناهندگان جدید از کردستان عراق به ایران، پدیده‌ای عکس آن هم در جریان بود و برخی از کسانی که پیشتر خود را به ایران رسانده بودند، می‌خواستند که قبل از پایان مهلت ۱۲ فروردین که از سوی دولت عراق برای تسلیم اعلام شده بود، به عراق بازگردند. براساس آماری که دولت عراق انتشار داد، روند بازگشت به عراق تا روز ۸ فروردین به صورت زیر بوده است.^{۶۶}

۱ فروردین	۳۰۰ نفر
۲ فروردین	۳۰۰۰ نفر
۴ فروردین	۴۵۰۰ نفر
۵ فروردین	۵۰۰ نفر
۶ فروردین	۳۵۰۰ نفر
۷ فروردین	۱۰۰۰ نفر
۸ فروردین	۴۳۵۰ نفر
مجموع	۱۷۱۵۰ نفر

این آمار نشان می‌دهد که در حالی که هنوز روند ورود آوارگان جدید به ایران در جریان بود، در ۸ روز اول فروردین، حدود ۱۸ هزار نفر از پناهندگانی که قبلاً در ایران ساکن شده بودند، به عراق بازگشته‌اند. این افراد که بیشتر ساکنان اردوگاه‌های «سرآبگرم» و «آنزل» واقع در سرپل ذهاب و اردوگاه‌های پاره بودند، از طریق مرز «خسروی» در قصرشیرین و مرز «شوشمی» در منطقه‌ی نوسود استان کرمانشاه، به عراق باز می‌گشتند.^{۶۷} شیر و خورشید سرخ

۶۶. کیهان (۹ فروردین ۱۳۵۴)، ص ۲.

۶۷. همانجا.

ایران، از طریق ۳۸ دستگاه اتوبوس و مینی بوس که به این امر اختصاص داده بود، افراد را از اردوگاه به مرز برده و در آنجا به طرف عراقی تحویل می‌داد.^{۶۸}

چنین به نظر می‌رسد که هم دولت ایران و هم دولت عراق هرکدام به دلایل خاص خود سعی می‌کردند که حتی الامکان تعداد افراد پناهنده در ایران بالا نرود. روزنامه‌ی کیهان که در اواخر اسفند - یعنی ۱۲ روز به پایان ضرب الاجل - تعداد کسانی را که در آنسوی مرز منتظر ورود به ایران بودند، بیش از ۲۵۰ هزار نفر برآورد کرده بود؛ از روند کند صدور مجوز ورود برای آنها خبر داد و پیش بینی کرد که بسیاری از آنان موفق به ورود به ایران نشوند.^{۶۹} این در حالی بود که کسانی که خواهان بازگشت به عراق بودند، به آسانی و تنها با در دست داشتن اوراق هویت عراقی می‌توانستند به عراق بازگردند.^{۷۰} دولت ایران که در سال ۱۹۷۴م/ ۱۳۵۳ش هم شاهد ورود بیش از ۱۰۰ هزار مهاجر کرد بود، اینک مایل نبود که با ورود موج عظیم‌تری بار مشکلات و تبعات ناشی از آن را به دوش بکشد و حتی الامکان سعی در محدود کردن تعداد آنها می‌کرد. عراقی‌ها هم ترجیح می‌دادند که به جای اینکه مهاجران در ایران بمانند و در آینده خطر بالقوه‌ای ایجاد کنند، آنها را به عراق بازگردانند و تحت نظر داشته باشند. در ۱۶ فروردین عراق اعلام کرد که به هیچ‌کس اجازه داده نخواهد شد که از عراق به ایران برود؛ اما به کسانی که در گذشته به ایران رفته بودند، یک ماه دیگر برای بازگشت به عراق مهلت داده شد.^{۷۱}

دولت ایران مهاجرانی را که وارد کشور شده بودند، در اردوگاه‌های که بدین منظور احداث شده بود، اسکان داد. پیشتر در اطراف اشنویه و نقده اردوگاه‌هایی برای اسکان آوارگان سال ۱۹۷۴م / ۱۳۵۳ش برپا شده بود که از جمله می‌توان به اردوگاه «نلیوان» اشاره کرد. با ورود موج جدید پناهندگان، علاوه بر اردوگاه‌های قبلی، اردوگاه‌های جدیدی نیز برای اسکان آنها ساخته شد. این اردوگاه‌ها در امتداد نواحی غربی ایران از ارومیه تا ایلام و اهواز قرار داشتند.^{۷۲} علاوه بر اردوگاه «نلیوان»، در استان آذربایجان غربی، در استان کرمانشاه نیز می‌توان به اردوگاه

۶۸. همانجا.

۶۹. کیهان (۲۸ اسفند ۱۳۵۳)، ص ۳۱.

۷۰. همانجا.

۷۱. کیهان (۱۶ فروردین ۱۳۵۴)، ص ۵.

۷۲. بارزانی، ص ۲۳۸.

«دوآو» در بخش نوسود شهرستان پاوه، اردوگاه «مله ماست» در سنقر و اردوگاه‌های «سرآبگرم» و «آنزل شماره ۲۰۱» در سرپل ذهاب اشاره کرد. در شهرستان دزفول هم در سه شهرک «بابک»، «بهرام» و «سبزاب» پناهندگان کرد عراق ساکن بودند.^{۷۳} به دست دادن آمارى درباره جمعیت ساکن در هریک از این اردوگاه‌ها امکانپذیر نیست. زیرا با بازگشت برخی از پناهندگان و ورود پناهندگان جدید این آمار دستخوش تغییر می‌شد و از ثبات برخوردار نبوده است. برخی از منابع هم ارقامی در مورد جمعیت هریک از این اردوگاه‌ها یا مجموع کل آنها به دست می‌دهند که به علت عدم ثبات جمعیت نمی‌توان بر آن تکیه کرد. زیرا در مدت زمان کوتاهی جمعیت ساکن در اردوگاه‌ها به اوج خود رسید؛ اما رفته رفته رو به کاهش گذاشت. پس از مدتی هم دولت ایران، تصمیم گرفت که افراد ساکن در اردوگاه‌ها را بین شهرهای مرکزی پراکنده کند. روزنامه‌ی کیهان در حالی که هنوز تحرکات جمعیتی مهاجران برای ورود به ایران و بازگشت به عراق ادامه داشت، تعداد افراد ساکن در اردوگاه‌های استان کرمانشاه را ۵۰ هزار نفر برآورد کرد.^{۷۴} دولت ایران به طور محدود به عناصر بهداشتی سازمان ملل اجازه‌ی بازدید از اردوگاه‌ها را می‌داد، اما به سایر سازمان‌های بین‌المللی امکان دسترسی به پناهندگان داده نشد.^{۷۵}

رژیم شاه سیاست مشخصی را در رابطه با پناهندگان کرد عراقی در پیش گرفته بود. ابتدا سعی کرد که با اتخاذ سیاست‌های گوناگون تعداد افراد وارد شده به ایران را حتی المقدور محدود کند. پس از ورود به ایران نیز از تجمع آنها در یک منطقه و تماس گسترده‌ی آنها با مردم کرد ایران از طریق اسکان آنها در اردوگاه‌های محصور که در سرتاسر نوار غربی کشور پراکنده بودند، جلوگیری به عمل آورد. پس از مدتی هم که معلوم شد تعداد زیادی از مهاجران در ایران خواهند ماند، رژیم شاه تصمیم به انتقال آنها به مناطق مرکزی و شهرهای داخلی گرفت. این سیاست دولت ایران را از جنبه‌های گوناگون می‌توان مورد ارزیابی قرار داد. جلوگیری از فعالیت‌های سیاسی پناهندگان در اردوگاه‌های محل تجمع آنها که می‌توانست با نقض قرارداد الجزایر بر ضد منافع ایران هم باشد، از جمله اهداف رژیم شاه از این کار بوده است. شواهد زیادی در دست

۷۳. برای اطلاع از نام این اردوگاه‌ها نک: کیهان (۵، ۹ و ۱۰ فروردین ۱۳۵۴).

۷۴. کیهان (۹ فروردین ۱۳۵۴)، ص ۲.

۷۵. مک داول، ص ۵۷۳.

است که نشان می‌دهد که در این مقطع دولت شاهنشاهی ایران، در جلوگیری از تجدید فعالیت کردها جدی بوده است. در اواسط بهار ۱۳۵۴ش / ۱۹۷۵م، هنگامی که برخی از مهاجرین کرد عراق سعی در تجدید سازمان و ارتباط با کادرهای حزبی خود در ترکیه و سوریه گرفتند، با واکنش ساواک مواجه شدند. تا جایی که ساواک شماری از کادرهای فعال آنها را به رژیم عراق تحویل داد.^{۷۶} همچنین، پس از اطلاع ساواک از اعزام دوباره‌ی برخی از کادرها به منظور از سر گرفتن فعالیت به کردستان عراق، برخی از فعالین مهاجر ساکن نرده بازداشت شده و اسناد آنها ضبط گردید.^{۷۷} رژیم شاه همچنین باقی ماندن پناهندگان کرد عراق در مناطق کردنشین ایران را به صلاح خود نمی‌دانست. ارتباط مردم و اقشار مختلف جامعه‌ی کردستان ایران با پناهندگان کرد عراقی که بسیاری از آنها افرادی سیاسی و دارای حدی از خودآگاهی قومی بودند (به ویژه مشاهده‌ی سبب آوارگی آنها که شاه ایران خود با پشت کردن به کردها از عوامل آن بود)، از دیگر نگرانی‌های امنیتی ناشی از حضور پناهندگان کرد عراقی در نواحی کردنشین ایران به شمار می‌رفت. این احساس که شاه با توافق با عراق به کردها خیانت کرده است، در میان برخی از پناهندگان نوعی احساس ضدیت با رژیم شاهنشاهی را به وجود آورده بود. این امر باعث شد که هنگام شعله‌ور شدن مبارزات ضد رژیم شاهنشاهی در میان مردم ایران، بسیاری از مهاجران با مخالفان شاه همدلی و همراهی نشان دهند. مسعود بارزانی می‌گوید که در برخی از شهرها مانند یزد و تبریز و اراک، کردهای عراق به انقلابیون ضد شاه، آموزش نظامی ارائه می‌کردند.^{۷۸} اقدام دولت در پراکنده کردن مهاجران ساکن اردوگاه‌ها در بین شهرهای داخلی ایران، برای به حداقل رساندن تبعات این احساس ضدیت با شاه بود. شاه در مصاحبه‌ای که در ۲۵ فروردین ۱۳۵۴/آوریل ۱۹۷۵ با خبرنگاری یونایتدپرس انجام داد، خبر از سیاست آینده‌ی دولت ایران در رابطه با مهاجران داد وی اظهار داشت که «زندگی در اردوگاه چیز خوشایندی نیست» و افزود که وی «کردها را تشویق نمی‌کند که در اردوگاه‌ها باقی بمانند، زیرا این چیزی است که در مورد فلسطینی‌ها اتفاق افتاد.»^{۷۹} این اظهارات حاکی از نگرانی‌های موجود از تجدید سازمان یا

۷۶. بارزانی، ص ۲۴۱.

۷۷. همان، ص ۲۵۰.

۷۸. همان، ص ۲۵۴.

۷۹. اطلاعات (۲۵ فروردین ۱۳۵۴)، ص ۵ و ۷.

فعالیت‌های احتمالی در اردوگاه‌های آوارگان است. شاه در ادامه‌ی همان مصاحبه، خبر از سیاست آینده‌ی دولت خود مبنی بر جذب و استحاله‌ی مهاجران در درون جامعه ایران داد و افزود «برای آنها بهتر است که آمیخته شوند. کردها به راحتی می‌توانند در داخل جامعه‌ی ایران جذب شوند.»^{۸۰} عباسعلی خلعتبری، وزیر خارجه نیز از جذب و ادغام مهاجران کُرد در درون اقتصاد و جامعه‌ی ایران سخن می‌گفت.^{۸۱} در چهارچوب همین سیاست، دولت کم‌کم شروع به انتقال مهاجرین ساکن اردوگاه‌ها به شهرهای مرکزی ایران مانند اصفهان و یزد و کرمان و جیرفت و ساری و غیره کرد. اکثر این افراد در شهرهای مذکور به کارهایی مانند کارگری و شکاربانی مشغول شدند.^{۸۲} برخی از سران و بزرگان جنبش از جمله بارزانی و خانواده‌اش را به محله‌ای از شهر کرج انتقال دادند.^{۸۳}

به دست دادن رقم مشخصی در مورد تعداد کسانی که در سال ۱۹۷۵م/ ۱۳۵۴ش، مجبور به مهاجرت از کردستان عراق به ایران شدند، امکانپذیر نیست. زیرا علاوه بر اینکه منبع موثقی در این باره در دسترس نیست، این واقعیت که همزمان با ورود پناهندگان جدید عده‌ای نیز به عراق برمی‌گشتند، به پیچیدگی و اغماض مسأله می‌افزاید. بنابراین، تنها می‌توان گفت که با پیوستن عده‌ی زیادی به ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار نفری که سال پیش از آن به ایران آمده بودند، در یک دوره‌ی هرچند کوتاه تعداد پناهندگان کرد در ایران افزایش چشمگیری یافته است؛ به همین دلیل است که برخی تعداد پناهندگان کرد حاضر در ایران را تا نیم میلیون نفر نیز ذکر کرده‌اند.^{۸۴} برخی دیگر نیز شمار آنان را ۳۰۰ هزار نفر می‌دانند.^{۸۵} با وجود این اختلافات، مسلم است که پس از شکست شورش ایلول، یک تحرک بزرگ جمعیتی که درصد قابل توجهی از جمعیت آن زمان کردستان عراق (حدود ۲ میلیون نفر) را شامل می‌شد، به وجود آمد. در مراحل اولیه‌ی بحران، به موازات ورود پناهندگان جدید، عده‌ای هم به عراق مراجعت می‌کردند. اما با وجود این، تعداد قابل

۸۰. همانجا.

۸۱. اطلاعات (۱۶ فروردین ۱۳۵۴)، ص ۱۷.

۸۲. مصاحبه نگارنده با خانم د. ناز ناز محمد عبدالقادر (اربیل: خرداد ۱۳۸۸).

۸۳. مسته فائهمین، ص ۳۲.

۸۴. دیوید ماک داوول، کورد/مه محرومه، ترجمه رزگار محمد یوسف (دهوک: مطبعه خبات، ۱۹۹۶)، ص ۱۱۲.

۸۵. گه‌لیکی په‌ژموورده و نیشتمانیکی پهرت، ص ۳۰۳: علم، ج ۴، ص ۴۸۲.

توجهی از پناهندگان در ایران ماندند. منابع در مورد تعداد کسانی هم که در ایران ماندند اختلاف زیادی دارند. مسعود بارزانی تعداد پناهندگانی را که به شهرهای مرکزی ایران انتقال یافتند، حدود ۱۸۰ هزار نفر برآورد می‌کند.^{۸۶} اما مک داوول معتقد است که تنها ۷۰ هزار نفر در ایران باقی ماندند و بقیه به عراق بازگشتند.^{۸۷} برخی دیگر نیز رقمی بین این دو را ذکر کرده‌اند.^{۸۸} البته پس از آن نیز کسانی بودند که - چه به دلیل عدم انطباق با محیط جدید و چه به دلیل محدودیت‌های ایجاد شده از طرف ساواک و رژیم ایران - تصمیم گرفتند که با به جان خریدن خطرات و مشکلات احتمالی به عراق بازگردند.^{۸۹} در برخی جاها، ساواک با فراخواندن کردها از آنان امضاء و تعهد می‌گرفت که در چهارچوب سیاست نظام شاهنشاهی حرکت کرده و دست از کار سیاسی بکشند.^{۹۰} البته افرادی نیز که به عراق بازگشتند سرنوشتی بهتر از تبعید و آوارگی نیافتند. دولت عراق بسیاری از کردهایی را که به این کشور بازمی‌گشتند، به جنوب آن تبعید کرده و آنها را در شهرها و روستاهای عرب‌نشین مانند دیوانیه، ناصریه و سماوه و غیره پراکنده ساخت.^{۹۱} عده‌ای از مهاجران ساکن ایران هم که بیشتر شامل افراد باسواد و برخی کادرها و پیشمرگ‌های سابق بودند، توانستند پس از مدتی از طریق ارتباط با سازمان‌ها و نهادهای بین المللی خود را به کشور ثالثی برسانند.^{۹۲} دولت ایران هم مانعی بر سر راه این دسته از افراد برای ترک ایران ایجاد نمی‌کرد.^{۹۳} بعضی از کشورهای اروپایی از جمله اتریش، هلند و سوئد نیز

۸۶. مسعود بارزانی، *الباززانی و الحركه التحرر الكردیه*، الجزء الثالث (اربیل: دار نارس، ۲۰۰۲)، ص ۳۹۹.

۸۷. مک داوول (۱۹۹۶)، ص ۵۳۰.

۸۸. مسته فائده مین، ص ۳۲.

۸۹. سید سید کاکه، *بیره‌وه‌ری پیشمه‌رگه‌یه‌ک* (هه‌ولیر: چاپخانه‌ی زنانکوی سه‌لاحه‌دین، ۲۰۰۰)، ص ۱۱۰.

۹۰. همانجا.

۹۱. عارف قوربانی، *کوچ و کوچ‌پی‌کردن: هوکار و بنه‌ماکانی* (کوردستان: سه‌ننه‌ری روناکبیری و راگه‌یاندنی ریکخرواوی لاوانی کوردستان، ۲۰۰۱)، ص ۳۰-۳۱؛ همچنین گفتگوی نگارنده با شیرکو بی‌کس، شاعر کرد که خود از کسانی بوده که در این سال پس از بازگشت از ایران (مریوان)، به جنوب عراق تبعید شده است. (سلیمانیه: خرداد، ۱۳۸۸).

۹۲. مصاحبه با خانم د. ناز ناز محمد عبدالقادر.

۹۳. مسته فائده مین، ص ۵۶؛ قوربانی، ص ۳۱ - ۳۰.

هرکدام تعدادی پناهنده‌ی کرد عراقی را پذیرش کردند. در بهار ۱۹۷۶م/ ۱۳۵۵ش، حدود ۱۰۰ خانوار از کردهای عراق با هزینه‌ی دولت اتریش از تهران به وین منتقل شدند.^{۹۴} عده‌ی زیادی از پناهندگان کردی که در سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ش/ ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵م، از کردستان عراق به ایران آمدند، سال‌ها در ایران باقی ماندند و به کار و تحصیل در این کشور مشغول شدند. برخی از آنها در سال ۱۳۷۰ش/ ۱۹۹۱م، پس از آنکه تسلط رژیم بعث بر کردستان پایان یافت، به آنجا بازگشتند. عده‌ای نیز به دلیل اوضاع بد اقتصادی کردستان عراق و جنگ‌های داخلی بین دو حزب دمکرات و اتحادیه‌ی میهنی کردستان، تا سال ۲۰۰۳م/ ۱۳۸۲ش و سقوط نهایی حزب بعث و سامان گرفتن نسبی اوضاع کردستان عراق، در ایران ماندند و در آن تاریخ به ولایت اولیه خود بازگشتند. جمعیتی نیز در ایران باقی ماندند. نسلی از آنها هیچ وقت کردستان عراق را ندیده‌اند و با جامعه‌ی ایران خو گرفته‌اند. افراد مسن‌تر نیز هرچند که به زندگی در ایران عادت کرده‌اند، اما نیم نگاهی هم به کردستان عراق دارند.^{۹۵}

نتیجه‌گیری

رویداد مهاجرت کردهای عراق به ایران در سال‌های ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵م/ ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ش، از عوارض و پیامدهای جنگ و درگیری در کردستان عراق بین جنبش مسلحانه‌ی کردهای عراق و دولت مرکزی این کشور بود. ایران، در جریان قیام کردها، به دلیل اختلافاتی که بر سر تعیین خط مرزی در شط العرب با دولت عراق داشت، از قیام کردها پشتیبانی می‌کرد و می‌کوشید که از این طریق عراق را برای پذیرش خط مرزی مورد قبول خود در شط العرب تحت فشار قرار دهد. بنابراین، به موازات افزایش تنش در روابط ایران و عراق، حمایت ایران از کردهای عراق هم افزایش می‌یافت. این امر به نوبه‌ی خود، افزایش و شدت یافتن درگیری‌ها در کردستان عراق را در پی داشت و قیام کردهای عراق را به طور کامل به کمک‌های مالی و تسلیحاتی و لجستیکی ایران وابسته کرد. در طول سال ۱۹۷۴م/ ۱۳۵۳ش، با شدت یافتن درگیری‌ها، شمار زیادی از مردم کردستان عراق از نواحی تحت کنترل پیشمرگ‌های کرد که در جوار مرزهای شمال غربی ایران قرار داشت، به ایران پناهنده شدند و در اردوگاه‌های داخل ایران اسکان یافتند. سال بعد نیز

۹۴. مسته فائمه مین، ص ۵۶.

۹۵. مصاحبه با خانم د. ناز ناز محمد عبدالقادر.

متعاقب امضای قرارداد الجزایر بین ایران و عراق، جنبش کردها دچار شکست و فروپاشی شد و موج بزرگتری از پناهندگان که بخش زیادی از آنها وابستگان جنبش کردها بودند، از بیم انتقامجویی دولت عراق در یک فاصله‌ی زمانی کوتاه وارد ایران گردیدند و در اردوگاه‌های مختلفی که در سراسر نوار غربی کشور پراکنده بود، اسکان داده شدند. ایران ضمن پذیرش آوارگان حتی‌الامکان سعی می‌کرد آنها را تشویق به بازگشت به عراق کند. بسیاری از آوارگان نیز پس از اعلام عفو عمومی از سوی عراق به آن کشور بازگشتند؛ اما بخش قابل توجهی از آنها که بالغ بر ده‌ها هزار نفر بودند، در ایران باقی ماندند. دولت ایران پس از مدتی، مهاجران باقی مانده را بین شهرهای مرکزی تقسیم کرد و کوشید از این طریق تبعات حضور آنها را به حداقل برساند.

کتابنامه

فارسی:

- پارسادوست، منوچهر. *ما و عراق از گذشته‌ی دور تا امروز*. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.
 علم، اسدالله. *یادداشت‌های علم*. تهران: شرکت کتابسرا، ۱۳۸۰.
 فولر، گراهام. *قبله‌ی عالم: ژئوپلیتیک ایران*. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۷.
 کوچرا، کریس. *جنبش ملی کرد*. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: نگاه، ۱۳۷۳.
 مک داوول، دیوید. *تاریخ معاصر کرد*. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: پانید، ۱۳۸۳.
 وان بروستن، مارتین. *جامعه‌شناسی مردم کرد: آغا شیخ دولت*. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: نشر پانید، ۱۳۸۳.

روزنامه‌ها:

- کیهان. ۱۸ اسفند ۱۳۵۳.
 _____ . ۲۸ اسفند ۱۳۵۳.
 _____ . ۴ فروردین ۱۳۵۴.
 _____ . ۵ فروردین ۱۳۵۴.
 _____ . ۹ فروردین ۱۳۵۴.
 _____ . ۱۰ فروردین ۱۳۵۴.
 _____ . ۱۱ فروردین ۱۳۵۴.

_____ . ۱۶ فروردین ۱۳۵۴ .

اطلاعات . ۲۵ فروردین ۱۳۵۴ .

_____ . ۱۶ فروردین ۱۳۵۴ .

کردی:

بارزانی، مه‌سعود. **بارزانی و بزوتنه‌وهی رزگارخوازی کورد**. به‌رگی سییه‌م- به‌شی دووهم ، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.

سه‌ید کاکه. **بیره‌وه‌ری پیشمه‌رگه‌یه‌ک**. هه‌ولیر: چاپخانه‌ی زانکوی سه‌لاحه‌دین، ۲۰۰۰.
عه‌بدولقادر، ناز ناز محمه‌د. **سیاسه‌تی ئیران به‌رانبه‌ر بزوتنه‌وهی رزگارخوازی نه‌ته‌وه- بی کورد له کوردستانی عیراقد** ۱۹۶۱-۱۹۷۵ . هه‌ولیر: ده‌زگای ئاراس، ۲۰۰۷.
قوریانی، عارف. **کوچ و کوچ پی‌کردن: هوکار و بنه‌ماکانی**. کوردستان: سه‌نته‌ری روناکییری و راگه‌یاندنی ریکخروای لاوانی کوردستان، ۲۰۰۱.

کومه‌لی نوسه‌ران. **گه‌لیکی په‌ژمورده و نیشتمانیکی په‌رت**. وه‌رگیران م گومه‌یی و ئه‌ندازیار حویزی. سوید: بی‌نا، ۲۰۰۲.

مسته‌فا ئه‌مین، نه‌وشیروان. **له که‌ناره‌کانی دانوبه‌وه بو خری ناوزه‌نگ**. برلین: postfach . بی‌تا.

ناکام، سه‌عید. **بیره‌وه‌ریه‌کانی سه‌عید ناکام**. هه‌ولیر: ئاراس، ۲۰۰۳.

هه‌ژار. **چیشتی مجبور**. بی‌جا: ناو هندی بلاوکردنه‌وه‌ی میه‌ره‌گان، ۲۰۰۷.

عربی:

بارزانی، مسعود. **البارزانی و الحركة التحریر الکردیه**. الجز الثالث، اربیل: دار ئاراس، ۲۰۰۲.
ماک داوول، دیوید. **کورد امه محرومه**. ترجمه رزگار محمد یوسف. دهوک: مطبعه خبات، ۱۹۹۶.

مصاحبه‌ها:

گفتگوی نگارنده با خانم د. ناز ناز محمد عبدالقادر. اربیل: خرداد ۱۳۸۸.
گفتگوی نگارنده با شیرکو بی‌کس. سلیمانیه: خرداد ۱۳۸۸.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی